

Obstacles and Challenges in Publishing Faculty Members' Scientific Books in Shahid Beheshti University of Medical Science

Zahra Alaie¹, Soleiman Ahmadi², Mohammad-Reza Sohrabi^{3*}

1. Master of Medical Education, Medical Education Department, Faculty of Management and Education, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. Associate Professor of Medical Education, Medical Education Department, Faculty of Management and Education, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. Professor of Community Medicine, Social Determinants of Health Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** Mohammad-Reza Sohrabi, Community Medicine Department, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Email: m.sohrabi@sbmu.ac.ir

Received: 21 May 2019

Accepted: 1 June 2019

Published: 8 June 2019

How to cite this article:

Alaie Z, Ahmadi S, Sohrabi MR. Obstacles and Challenges in Publishing Faculty Members' Scientific Books in Shahid Beheshti University of Medical Science. *Salamat Ijtimai (Community Health)*. 2019; 6(3): 327-341.
DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v6i3.25588>.

Abstract

Background and Objective: Considering the importance of scientific productions on national and international levels, this study aimed to assess the challenges and obstacles of publishing national books by faculty members of Shahid Beheshti University of medical Sciences.

Materials and Methods: This qualitative research was conducted with participation of 13 faculty members who had long experiences in education and also publishing scientific books and were chosen by targeted sampling method. They were interviewed after providing informed consent. The duration of each semi-structured interview was 30-60 minutes; all of them were recorded. The transcripts were written word by word and analyzed using qualitative content analysis.

Results: From 13 interviews, 510 primary codes were extracted and finally six themes of frequency and variety of policies, unclear outcomes, article-based researches, supportive approaches, lack of experienced researchers and lack of effective scientific networks were defined. In addition, 25 sub-themes were categorized under the themes.

Conclusion: The study showed that despite the development of research and the related facilities, there are still challenges for publishing the books. Interventions in the fields of emotional, rules and regulations and financial incentives could be suggested for improvement.

Keywords: Books; Publishing; Faculty; Shahid Beheshti University of Medical Sciences.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

Ethical code: IR.SBMU.RETECH.REC.1396.187

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

موانع و چالش های چاپ و نشر کتاب آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

زهرا اعلایی^۱، سلیمان احمدی^۲، محمد رضا سهرابی^{۳*}

۱. کارشناس ارشد آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده مدیریت و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه آموزش پزشکی، گروه آموزش پزشکی، دانشکده مدیریت و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استاد پزشکی اجتماعی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: محمدرضا سهرابی، گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
Email: m.sohrabi@sbmu.ac.ir

تاریخ پذیرش: خرداد ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: دانشگاه ها به عنوان منابع تولید علم نقش مهمی در نشر سالانه میلیون ها مقاله و کتاب در جهان دارند. با توجه به اهمیت تولیدات علمی در جایگاه ملی و جهانی این پژوهش به منظور بررسی موانع و چالش های چاپ کتاب توسط اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شد.

روش و مواد: این پژوهش کیفی با مشارکت ۱۳ نفر اعضای هیأت علمی دانشگاه که سابقه تدریس طولانی و تجربه چاپ کتب آموزشی داشتند و با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف انجام شد. پس از کسب رضایت آگاهانه مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند انجام شد. مدت زمان انجام هر مصاحبه با توجه به شرایط از ۳۰ دقیقه تا حدود ۶۰ دقیقه متغیر بود. همه مصاحبه ها ضبط شده و سپس توسط پژوهشگر کلمه به کلمه به صورت نوشته درآمدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها در مطالعه حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.

یافته ها: از ۱۳ مصاحبه، ۵۱۰ کد اولیه یا باز استخراج و در نهایت در شش مقوله شامل تعدد و گوناگونی سیاست ها، پیامدهای غیروشن، مقاله سالاری در پژوهش، ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی، خلا پژوهشگر زبده، عدم وجود شبکه های علمی-ارتباطی مؤثر جمع بندی شدند. کدهای مرتبط با شش مقوله به ۲۵ زیر مقوله دسته بندی شدند.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که علیرغم رشد و گسترش زمینه پژوهش در ایران همچنان چالش ها و مشکلات زیادی بر سر راه تألیف کتب وجود دارند. راهکارهایی در سه حیطه انگیزشی، قوانین و مقررات و مالی می توانند برای رفع این مشکلات پیشنهاد شوند.

واژگان کلیدی: چالش، علوم پزشکی شهید بهشتی، کتاب، نشر، هیأت علمی.

مقدمه

دانشگاه ها به عنوان منابع تولید علم نقش مهمی در نشر سالانه میلیون ها مقاله و کتاب در جهان دارند. کتاب های دانشگاهی به عنوان منابع مورد استفاده درسی یا نتیجه تجربیات اساتید موجب به روز شدن و تحرک علمی جامعه دانشگاهی است. کتاب های آموزشی توانسته اند، در کنار اینترنت و سایر ابزارهای پیچیده و به سرعت توسعه یافته رسانه ای در سراسر نظام های آموزشی جهان، همچنان اهمیت خود را حفظ کرده و به تحقق یادگیری در فراگیران کمک کنند (۱).

دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به عنوان یکی از برجسته ترین دانشگاه های ایران با داشتن بیش از ۱۴۰۰ عضو هیأت علمی نقش مهمی در آموزش پزشکی کشور دارد. روند رو به رشد تولیدات علمی در حوزه تولید مقالات با روندی رو به رشد در سال های اخیر رو به رو بوده است (۲ و ۳). در حوزه نشر کتاب سالانه بین ۶۰ تا ۸۰ کتاب در این دانشگاه منتشر می شود که مطابق اطلاعات سامانه مدیریت انتشارات دانشگاه وابسته به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در رده اول کشوری قرار دارد (۴).

علی رغم جایگاه کشوری مناسب، هنوز برای برنامه ریزی در جهت مشارکت بیشتر اعضای هیأت علمی در نشر کتاب، تاکید بر تولید منابع بومی و ارتقای کیفیت آثار منتشر شده موانعی وجود دارد. این پژوهش با هدف تعیین موانع و چالش های چاپ و نشر کتاب آموزشی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۹۶ انجام شد تا با ارایه شواهد، سیاستگذاری در این زمینه را تسهیل نماید.

روش و مواد

این مطالعه یک مطالعه کیفی است که به روش تحلیل محتوا در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با هدف بررسی مشکلات مربوط به پژوهش اعضای هیأت علمی و با تمرکز بر مشکلات چاپ کتب علمی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بودند. نمونه گیری به صورت مبتنی بر هدف از میان اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که سابقه تدریس طولانی و همچنین تجربه چاپ کتب مختلف آموزشی را داشتند و می توانستند بهترین اطلاعات را در اختیار دهند انجام شد. ملاک انتخاب و ورود به مطالعه توانایی و تمایل انتقال تجارب و نظرات، توانایی قدرت بیان و تجربه فعالیت های مختلف پژوهشی بود. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع ادامه پیدا کرد. در نهایت ۱۳ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شامل هشت نفر استاد تمام، سه نفر دانشیار و دو نفر استادیار در مطالعه شرکت کردند.

در این مطالعه از مصاحبه عمیق رودررو و انفرادی با شرکت کنندگان به عنوان روش اصلی جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. تمامی مصاحبه ها توسط پژوهشگر آموزش دیده هدایت شد. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده شد. سؤالات مصاحبه در قالب فرم "راهنمای مصاحبه" جهت انجام مصاحبه به صورت باز پاسخ تنظیم شده بودند. فرم مصاحبه شامل دو دسته سؤالات بوده، یک دسته که سؤالات اساسی مصاحبه را تشکیل می دادند و دسته دوم که سؤالات پیگیری محسوب می شدند.

برای انجام هر مصاحبه در ابتدا به شرکت کنندگان هدف پژوهش، روش مصاحبه و حق افراد برای عدم شرکت در پژوهش توضیح داده می شد. سپس رضایت آگاهانه از افراد اخذ شده و در نهایت مصاحبه با سؤالات کلی آغاز می گردید. در ادامه براساس پاسخ های شرکت کنندگان سؤالات پیگیری جهت روشن تر شدن مفهوم مورد مطالعه مطرح می شد. با توجه به اینکه فرایند جمع آوری داده ها و تحلیل به صورت همزمان و رفت و برگشتی انجام می گرفت سؤالات مصاحبه های انتهایی پژوهش بر مبنای طبقات استخراج شده تنظیم می شدند.

در روند انجام مصاحبه ها پژوهشگر کم ترین دخالت را در پاسخ های افراد را داشته و از دادن بازخوردهای معنی دار تایید کننده یا رد کننده در حین مصاحبه خودداری می کرد. مدت زمان انجام هر مصاحبه با توجه به شرایط از ۳۰ دقیقه تا حدود ۶۰ دقیقه متغیر بود. همه مصاحبه ها ضبط شده و سپس توسط پژوهشگر کلمه به کلمه به صورت نوشته درآمدند.

برای تجزیه و تحلیل داده ها در مطالعه حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative content analysis) استفاده شد. تحلیل محتوای کیفی براساس روش تحلیل محتوای هدایت شده (Directed) انجام گردید. در تحلیل محتوای هدایت شده تحلیل بر اساس نظریه های موجود و یا نتایج پژوهش های پیشین به عنوان کدهای اولیه و راهنما است. در تحلیل جهت دار با به کار بردن نظریه های موجود یا پژوهش های پیشین، پژوهشگر کار خود را با شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه بندی رمزهای اولیه آغاز می کند. در این روش بسته به نوع و گستردگی یک مقوله، محقق ممکن است نیاز داشته باشد با تحلیل پی درپی، در شناسایی زیرمقوله ها بکوشد.

برای اطمینان از دقت و اعتبار علمی نتایج حاصل از پژوهش در این پژوهش از چهار معیار Guba و Lincoln که عبارتند اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تأییدپذیری استفاده شد (۵-۷). در طول فرایند جمع آوری داده ها سعی شد مصاحبه ها و ثبت داده های پژوهش با نهایت دقت صورت گیرد. همچنین محقق در گزارشات خود از کدگذاری استفاده کرده و نقل قول، که عین گفتار مشارکت کنندگان است را ارائه می دهد.

در تحقیق حاضر کلیه اصول اخلاق شامل احترام، اختیار، عدالت و خبر رسانی رعایت گردیده است. پژوهشگر خود را به کلیه نمونه ها معرفی می کرد. شرکت در پژوهش، برای نمونه ها کاملاً داوطلبانه بود. به شرکت کنندگان در مورد اهداف پژوهش توضیح داده می شد: در مورد محرمانه ماندن اطلاعات مصاحبه به مشارکت کنندگان اطمینان داده می شد و ضبط صدا فقط با رضایت افراد انجام می گرفت. به منظور محرمانه بودن اطلاعات از انتشار نام و نام خانوادگی مشارکت کنندگان خودداری به عمل آمد. در مرحله تحلیل و تفسیر داده ها امانت داری و عدم قضاوت رعایت گردیده است.

یافته ها

حاصل تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از ۱۳ مصاحبه، ۵۱۰ کد اولیه یا باز بود. کدهای مرتبط با مقولات استخراج شده از تئوری های موجود به ۲۵ عنوان زیر مقولات دسته بندی شدند. بدین ترتیب مقولات موجود بر مبنای داده های به دست آمده از مصاحبه ها کامل گردیدند و بر اساس روش تحلیل محتوای جهت دار برای تئوری های موجود توصیفات بیشتری ارائه گردید. در مجموع مصادیق و کدهای بدست آمده در جدول شماره ۱ آمده است.

نتایج تحلیل داده ها:

الف) تعدد و گوناگونی سیاست ها: این مقوله انتزاعی موجود در تئوری های پیشین در مصاحبه با افراد مطلع و کلیدی به چهار زیرمقوله مرتبط به شرح زیر تقسیم گردید:

۱) **استراتژی های نامعلوم مدیریت:** نبود استراتژی های مشخص مدیریتی و عدم برنامه ریزی مناسب و تعیین

اولویت ها و سیاست های چاپ کتاب و تغییرات فراوان در آنها یکی از مواردی است که در مصاحبه ها به آن اشاره شد.

برای مثال یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه این گونه توضیح داد:

"هنوز وزارت بهداشت و دانشگاه ها فاقد یک استراتژی مشخص در حوزه تألیف کتاب هستند و برای همین تا الان اولویت های مشخصی را در این حوزه ترسیم و در اختیار دانشگاه ها و حتی دستگاه های متبوع خود قرار نداده اند."

یا در همین زمینه یکی دیگر از مصاحبه شوندگان به نکته دیگری اشاره نمودند:

"اگر که اولویت های مطالعه و پژوهش به منظور تألیف کتاب به صورت مشخص در دانشگاه های مختلف تعریف شوند ظرفیت نظام تحصیلات تکمیلی کشور در اختیار نیازمندی های کشور قرار می گیرد و با این کار گام مهمی در تولید و تألیف کتب برمی داریم"

یا در همین زمینه: "اگر در دانشگاه برنامه های مشخصی برای گروه های آموزشی برای پژوهش مهیا باشد. خود به خود اعضا هیأت علمی تشویق می شوند که کتاب چاپ کنند... مشکل حاضر ما این است که عملاً خیلی جاها برنامه و نقشه پژوهشی نداریم."

تعدادی از شرکت کنندگان هم به نقش استراتژی های هر دانشگاه و اینکه آن ها به طور مستقل بتوانند در این حوزه وارد شوند و برنامه داشته باشند اشاره می کردند برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان معتقد بود که:

جدول شماره ۱- مقولات و زیرمقوله ها استخراج شده از صاحب نظران حوزه کتاب

ردیف	مقولات	زیرمقولات
۱	تعدد و گوناگونی سیاست ها	استراتژی های نامعلوم مدیریت وابسته به شخص بودن مدیریت کلان بودجه های پژوهشی ناکافی و نامناسب ضعف آموزش رسمی
۲	پیامدهای غیر روشن	کاربردی نشدن کتاب های تألیفی برخاسته از نیاز نبودن کتاب تألیفی عدم ارتباط پژوهش با آموزش بی اعتمادی به مطالعات ایرانی ارجحیت آموزش بر پژوهش در دانشگاه
۳	مقاله سالاری در پژوهش	کمبود اساتید الگوی مناسب در حیطه تألیف کتاب معیارهای نامناسب ارزیابی و امتیاز ارتقا تشویق کمیت نه کیفیت
۴	ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی	بوروکراسی فراوان اداری در راه نشر کتاب ناکافی بودن منابع روز آمد اطلاعاتی مشکلات مالی نشر کتاب ضعف فرهنگ کتابخوانی در کشور
۵	خلا پژوهشگر زبده	دانش اندک در حوزه زبان های خارجی وقت کم اعضای هیأت علمی آشنایی ناکافی با نگارش کتاب شکاف انگیزشی عدم تناسب درآمد حاصل از نگارش کتاب با فعالیت های درآمدزای اعضای هیأت علمی
۶	عدم وجود شبکه های علمی-ارتباطی مؤثر	عدم تشویق فضای علمی اشتراک گذاری نامناسب یافته های علمی تحریم علمی عدم نقد صحیح کتاب

"مثلا اگر فرضا دانشگاه شهید بهشتی بشود مسئول حوزه درمان و پیشگیری سرطان های خاص می توانیم در دانشگاه برنامه ریزی کنیم برای هر کسی در هر گروه آموزشی و پژوهشکده های مختلف یک ماموریتی تعریف کنیم ... که تولیدات علمی چه مقالات چه کتاب بیشتر شود."

(۲) **وابسته به شخص بودن مدیریت کلان:** وجود تغییرات زیاد در مسئولین ارشد که باعث عدم ثبات در مدیریت و نحوه راهبری مراکز پژوهشی کشور می گردد و تأثیر بسیار زیاد آن در کاهش سرعت رشد علمی کشور در صحبت های شرکت کنندگان بارها مورد توجه قرار گرفت.

در این خصوص یکی از مشارکت کنندگان این گونه توضیح داد:

"وقتی که حرف از تغییر مدیریت می شود مدتی قبل از تغییر، آن دستگاه منفعل و مدتی بعد نیز بلاتکلیف می ماند ضمن آنکه مدیر جدید باید زمان زیادی را صرف کند تا بفهمد تاکنون چه کارهایی انجام شده و برنامه ها تا کجا پیشرفت کرده اند و همه این ها زمان زیادی را هدر می دهد."

(۳) **توزیع نامناسب روند تخصیص بودجه پژوهشی:** عدم تأمین اعتبارات لازم برای گسترش امر تألیف کتاب و نیز پایین بودن حمایت مالی از این موضوع در دانشگاه های کشور نیز یکی دیگر از مواردی است که در صحبت های

مشارکت کنندگان به آن اشاره شده است. همچنین عدم جذب بودجه برون سازمانی و حتی عدم سرمایه گذاری کتاب در بخش خصوصی و سفارش کتاب از سایر حوزه ها در صحبت های اعضای محترم هیأت علمی ذکر گردیده است. در این حوزه یکی از شرکت کنندگان این گونه توضیح داد:

"اصولا اعتبارات پژوهشی در کشور ما محدود است و همان ها هم به درستی توزیع نمی شوند. اعتبارات پژوهشی جهت تألیف کتب بومی هم که در ردیف آخر بودجه ها قرار می گیرند"

(۴) **ضعف آموزش رسمی:** تقریباً تمامی مصاحبه شوندگان بر این باور بودند که آموزش تألیف کتب علمی برای اساتید دانشگاه مورد بی توجهی قرار گرفته است، یکی از ایشان در این باره گفت:

"به خصوص ما که در کشورمان با رشد شتابان علم روبرو هستیم، این کار باید خیلی زودتر از این انجام می شد. چون ما الان با یک سری مشکلات برخورد کرده ایم. شاید اگر ما این کار را انجام داده بودیم و بعد اطلاع رسانی شده بود، خیلی از مشکلاتی که تا به حال پیش آمده پیش نمی آمد."

همچنین یکی دیگر از پرسش شوندگان پژوهش در این باره این گونه توضیح می دهد:

"من خودم کلی کار اشتباه در تألیف کرده ام که این به خاطر خواستمن نبوده، بخاطر ندانستنم بوده، ... در این زمینه. برای اینکه حالا خیلی عجیب فکر نکنید، یک کاری که من می کردم این بود که من مقاله فارسی می نوشتم، اگر خوب در می آمد آن را انگلیسی می کردم و ما فکر می کردیم این کار درستی است."

یا در همین حوزه یکی دیگر از اساتید به عدم آشنایی کافی و آموزش مناسب روش های تحقیق اشاره می نماید: "اگر وضعیت پژوهش در علوم پزشکی را براساس خروجی ها مثلاً همین تألیف کتاب بخواهیم ارزیابی کنیم، می بینیم که یک مشکل عمومی ما روش تحقیق است. ما روش تحقیق مناسب و قابل دفاعی برای تحقیقاتمان نداریم در حالی که شما بدون روش تحقیق، به قول معروف مثل کسی هستید که در تاریکی، بدون چراغ قوه در حال راه رفتن است و هر لحظه ممکن است دچار لغزش بشوید. ما می بینیم اساتید زیادی که به لحاظ وقت و تلاشی که می کنند، انصافاً کار زیادی انجام می دهند، اما به دلیل این که بر روش کار مسلط نیستند، بسیاری از تحقیقات به جایی نمی رسد و خروجی این را ما در تألیفات می بینیم."

ب) پیامدهای غیر روشن: بر اساس مصاحبه های انجام شده، بررسی اسناد و تئوری های موجود یکی دیگر از چالش های اصلی اساتید هیأت علمی دانشگاه در تألیف کتب علمی بومی پیامدهای غیر روشن ناشی از تألیف و انتشار کتاب می باشد. زیر مقولات آن به شرح زیر است:

(۱) **کاربرد نداشتن کتاب های تألیفی:** تعدادی از مشارکت کنندگان در پژوهش به کاربردی نداشتن کتاب های تألیفی و سپرده شدن آنها به بایگانی اشاره می کردند و آن را به عنوان یکی از مهم ترین آفت های عدم رغبت اساتید برای تألیف کتب ذکر می نمودند. برای مثال یکی از اساتید این گونه توضیح می دهد:

"زمانی که شما یک کتاب می نویسید بعد این تألیف شما فقط برای آرشیو و بایگانی کتابخانه های دولتی می رود و حتی آنجا خواننده هم پیدا نمی کند معلوم است رغبتی برای این فعالیت باقی نمی ماند. به خصوص اینکه نوشتن کتاب بسیار زمان بر است و اگر استادی هم بخواهد تألیفی انجام دهد ترجیح می دهد مقاله بنویسد نه کتاب."

و همچنین: "مقالات و تألیفات و کلاً تمام تحقیقاتی که انجام می شود باید پاسخگوی نقاط ضعف جامعه باشد و مثلاً پایان نامه یا کتابی که فقط برای کتابخانه تألیف شود نه مطلوب مردم است و نه جامعه علمی."

(۲) **برخاسته از نیاز نبودن کتب تألیفی:** یکی دیگر از موضوعات مرتبط با پیامدهای غیر روشن تألیف کتب که توسط اساتید مشارکت کننده در پژوهش مورد اشاره قرار می گیرد عدم نیازسنجی اولویت های پژوهشی و تألیفات بومی است. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان در این مورد می گوید:

"وقتی استراتژی در برنامه ریزی نداریم. وقتی اولویت ها مشخص نیست. از کتاب گرفته تا مقاله همه فعالیت های پژوهشی مان خارج از نیاز جامعه هستند."

در همین زمینه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان از زاویه دیگری به عدم نیازسنجی صحیح اشاره می‌کند:

"ما متأسفانه، به هر دلیلی، یاد نداریم که وقتی می‌خواهیم چیزی بنویسیم اول برویم مرور منابع درست و حسابی انجام بدهیم.... به خاطر همین علت است که افراد بدون مطالعه می‌روند و یک کار تکراری را انجام می‌دهند. این کار هم وقتی که تمام شد، هیچ ناشری حاضر نیست چاپ کند، یا اگر چاپ هم شود خواننده ندارد."

(۳) **عدم ارتباط پژوهش با آموزش:** یکی دیگر از مواردی که در مصاحبه‌های انجام شده اساتید حاضر از آن به عنوان یک چالش اساسی تألیف کتب دانشگاهی نام می‌بردند عدم ارتباط پژوهش با آموزش بود. در این زمینه برای مثال یکی از شرکت‌کنندگان این گونه توضیح می‌دهد:

"به نظر من آموزش، نسبت و رابطه علم را با گذشته آن تأمین می‌کند و نگاه به آینده و پیشرفت علمی را می‌توان در عرصه پژوهشی یک علم پیدا کرد و در ادامه همین نکته لازم است که بگویم پژوهشی موفق است که در ادامه آموزش باشد و آموزشی کارآمد و قابل دفاع است که به پژوهش خدمت برساند."

یا در همین زمینه یکی دیگر از اساتید خاطرنشان می‌کند که:

"قلمرو پژوهش در هر حرفه‌ای، به طور قابل ملاحظه تحت تأثیر قلمرو آموزش در آن حرفه است. درواقع، این انتظار وجود دارد که رشد کمی و کیفی آموزش باعث ایجاد توانمندی در پژوهش بشود. چیزی که در حال حاضر وجود ندارد."

(۴) **بی‌اعتمادی به تألیفات ایرانی:** یکی دیگر از چالش‌های اساسی در حوزه نشر کتاب که توسط بیشتر اساتید حاضر در مطالعه بارها به آن اشاره گردید بی‌اعتمادی به مطالعات ایرانی است. در این زمینه یکی از اساتید می‌گوید: "واقعیت قضیه این هست که تألیفات بومی خیلی کمتر از تألیفات خارجی مورد توجه قرار می‌گیرند. همین کتب پرفروش هم اکثراً ترجمه هستند یا تعداد آنها در هر رشته‌ای بسیار کم هست. این بی‌اعتمادی به تألیفات بومی وجود دارد البته یکی از دلایل آن ضعف تألیفات هست ولی همه دلیل این نیست. فرهنگ اکادمیک جامعه هم در این مورد نقش دارد."

(ج) **مقاله‌سالاری در پژوهش:** یکی از مهم‌ترین مقولاتی که در اثر مرور اسناد مرتبط و تئوری‌های موجود و همچنین مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع کلیدی به آن پرداخت شد مقاله‌سالاری در پژوهش است. این مقوله خود به سه زیر مقوله مشخص زیر تقسیم گردید:

(۱) **کمبود اساتید الگوی مناسب در حیطه‌ی تألیف کتاب:** در این حوزه چالشی یکی از مشارکت‌کنندگان این گونه اظهار نظر می‌نماید:

"هرکاری که می‌خواهید انجام دهید زمانی که شما یک الگوی دانشی یا الگوی نگرشی داشته باشید شما انگیزه می‌گیرید و یاد می‌گیرید. در همین حوزه تألیفات ما الگوهای موفق کم داریم آنها هم که هستند به خوبی به بقیه معرفی نمی‌شوند."

(۲) **معیارهای نامناسب ارزیابی و امتیاز ارتقا:** به نظر می‌رسد معیارهای ارتقای اساتید یکی از مهم‌ترین موارد چالش در تألیف کتب بومی است. تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به این نکته اشاره کردند که آیین نامه ارتقا و به طور کلی روش‌های ارزیابی اساتید مبتنی بر منطق صحیحی نیست و ارزش تألیف کتب بومی را به خوبی در نظر نمی‌گیرد. برای مثال یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: "یک چیزی را من بگویم که به نظرم از همه مهم‌تر هست برای ترجمه کتاب یا تألیف باید انرژی و زمان سه مقاله ISI را صرف کرد در حالی که مقاله امتیاز بالا تری دارد و ضریب هم دارد و برای ارتقاء امتیاز خوبی دریافت می‌کند بنابراین هیأت علمی اساساً ترجیح می‌دهد مقاله بنویسد نه کتاب."

یا اینکه: "در ارتقاء بند خاصی وجود ندارد که اگر تعداد کتابها بیشتر باشد ضریب در نظر گرفته شود، ممکن است از نظر مالی تشویق مختصری شود ولی برای اکثریت اساتید ارزش معنوی و بعد از آن امکان ارتقا اهمیت بیشتری دارد."

(۳) **تشویق کمیت بجای کیفیت:** در حوزه مقوله مقاله‌سالاری یکی از موارد دیگری که در مصاحبه‌ها بسیار مورد توجه اساتید حاضر در پژوهش قرار گرفت موضوع اهمیت دادن به کمیت تألیفات نه کیفیت آن‌ها توسط مسئولین دانشگاه هاست. در این زمینه برای نمونه یکی از اساتید این گونه توضیح می‌دهد:

"ما ضوابطی را گذاشته ایم و تشویق کرده ایم که تعداد تألیفات زیاد خوب است، چون نگارش و چاپ مقاله راحت تر و سریع تر است. با این وضعیت کسی به سراغ نوشتن کتاب نمی رود".

یکی از اساتید پیشکسوت دانشگاه با اشاره به "انتشار مقاله ISI به عنوان مد روز" به ارزش های کاذب القا شده در خصوص انتشار مقاله در مجلات نمایه شده در ISI، اشاره کرد و گفت: "مثلا دانشگاه ما اگر ۵۰۰ مقاله ISI داشته باشد و فردا ۵۱۰ تا، آیا این نشانه پیشرفت است؟ شاید یک شاخص باشد ولی شاخص کوچکی است. در صورتی که ما آنقدر آن را برجسته کرده ایم که داشتن مقاله ISI یا چاپ در مجله با آی اف ۵ بالا برای ما شده خدا. در صورتی که حداقل ما در اینجا معنی ایمپکت فکتور ۷ را غلط فهمیده ایم".

(د) ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی

موضوع ضعف در حمایت ها و تشویق اساتید جهت تألیف کتب بومی به عنوان یک چالش اساسی، یکی دیگر از مقولاتی است که در مطالعه به آن رسیدیم. این مقوله ی انتزاعی خود شامل چهار زیر مقوله می گردد:

(۱) **بوروکراسی فراوان اداری در راه نشر کتاب:** چالش بوروکراسی اداری یکی از پراشده ترین موضوعات در صحبت های مشارکت کنندگان در پژوهش بود و اکثریت قریب به اتفاق آنها اعتقاد داشتند این موضوع یکی از مهم ترین موانع تألیف کتب بومی در کشور می باشد.

برای مثال یکی از اساتید حاضر توضیح می دهد که: "یک نکته واضح همین قوانین دست و پاگیر و مراحل زیاد آن است. خود تألیف کتاب یک فرایند خسته کننده و زمان بر است. اما به دنبال گرفتن امتیاز رفتن و حق انتشار و چاپ و قوانین مالکیت و نظایر اینها واقعا هر کسی را از نوشتن کتاب پشیمان می کند".

یا یکی دیگر از مشارکت کنندگان در دید کلی تری اشاره می کند که: "اصولا بوروکراسی اداری سرعت انجام پژوهش ها را کاهش می دهد. استاد هیأت علمی آموزشی هم فرصت درگیر شدن در این مسائل را ندارد. فعالیت های پژوهشی باید از بوروکراسی اداری و سیستم های نظارتی نجات یابند".

(۲) **ناکافی بودن منابع روزآمد اطلاعاتی:** تعدادی از مشارکت کنندگان حاضر در مطالعه به کمبود دسترسی به منابع الکترونیکی در محیط های مختلف به عنوان یکی از چالش های تألیف کتاب اشاره می کردند.

در مورد مشکلات عدم دسترسی به کتابخانه های دیجیتال یکی از مشارکت کنندگان این گونه توضیح می دهد: "بهرحال منابع روز دنیا همچنان برای اساتید به خوبی در دسترس نیستند. به خاطر مشکلات مالی خیلی از پایگاه های داده هم در دسترس نیستند. اصولا ارتباطات مبتنی بر وب برای کسب دانش روز بسیار مهم هست. قبل از هر تألیفی همان طور که گفتم واقعا نیاز به یک دوره مرور متون کامل و نیازسنجی علمی می باشد".

(۳) **مشکلات مالی نشر کتب:** یکی دیگر از موضوعات مورد اشاره در مقوله راهکارهای تشویقی و حمایتی مشکلات مالی موجود در سیستم نشر کتاب بومی بود. برای نمونه یکی از مشارکت کنندگان حاضر در مطالعه در این باره می گوید: "این موضوع البته نه تنها در یک دانشگاه که در کل کشور وجود دارد. وضعیت نشر کتاب در کشور چندان مناسب نیست و این موضوع چاپ کتاب را به کمتر از دو هزار نسخه کاهش داده است. مثلا در حوزه کتاب های چاپی به خاطر گرانی کاغذ همه انتشارات ها دچار مشکل هستند".

در همین زمینه یکی دیگر از حاضرین در مطالعه از زاویه دیگری به موضوع نگاه می کند: "واقعیت موضوع این هست که وقتی شما کتابی را می نویسید اصلا در مورد شرایط انتشار آن اطمینانی وجود ندارد. خیلی از کتاب ها امکان چاپ پیدا نمی کنند و باید منتظر بمانند تا ناشر شرایط را بالا و پایین کند و اول کتاب هایی را که فروش شان تضمین شده است، روانه چاپ کند. به خاطر همین خیلی از تألیفات بومی اساسا وارد بازار نمی شوند".

(۴) **ضعف فرهنگ کتابخوانی در کشور:** یکی از مهم ترین چالش های مورد اشاره در مصاحبه ها نبود فرهنگ مؤثر کتاب خوانی در کشور بود. این موضع توسط بیشتر اساتید حاضر در مطالعه مورد توجه قرار گرفت و به آن اشاره شد. برای مثال یکی از شرکت کنندگان در پژوهش در این مورد اعتقاد داشتند: "یکی دیگر از مشکلات جامعه ما عدم کتاب

خوانی است. ما باید گاهی خودمان مخاطب ایجاد کنیم. فرهنگ کتاب خوانی خارج از دانشگاه است. ما باید فرهنگ کتاب خوانی ایجاد کنیم برای مردم و دانشجویان بحث قیمت و یارانه کتاب بحث سرمایه گذاری نویسنده کتاب که اگر مخاطب نداشته باشد سرمایه آن برنمی گردد. گاهی مجبور می شوند به صورت رایگان کتاب را در اختیار بقیه قرار بدهند."

یا یکی دیگر از اساتید مجدداً با اشاره به فرهنگ جامعه می گوید: "براساس آمارهای داخلی و خارجی سرانه مطالعه در کشور ما پایین است. این موضوع حتی میان دانشجویان و دانشگاهیان هم وجود دارد. ... به نظر من یکی از مهم ترین دلایل عدم انتشار کتب تألیفی همین نبود فرهنگ کتابخوانی هست. چون شما کتاب را برای خواننده شدن می نویسی."

ه) خلا پژوهشگر زبده:

این مقوله انتزاعی که مربوط به خود پژوهشگر و ضعف های احتمالی اساتید می شود خود شامل چهار زیرمقوله اساسی است:

۱) دانش اندک در حوزه زبان های خارجی: در مورد اهمیت آشنایی به زبان های خارجی به منظور تألیف کتاب یکی

از اساتید حاضر در پژوهش این گونه توضیح می دهد: "اصولاً برای اینکه یک فردی بخواهد در مورد یک موضوع خاص تألیف یا تحقیق و پژوهشی انجام دهد نیاز هست که توانایی زبانی او از تسلط نسبی بیشتر و بالاتر باشد. برای اینکه انجام یک فعالیت پژوهشی خاص در مورد یک موضوع خاص نیاز دارد که فرد در آن موضوع خیلی عمیق تر از دیگران وارد شود و مطالعه و کسب دانش داشته باشد."

۲) **وقت کم اعضای هیأت علمی:** نداشتن وقت کافی برای اساتید هیأت علمی که در کنار مسائل آموزشی به پژوهش و فعالیت های وقت گیری همچون تألیف کتاب بپردازند نیز یکی از مهم ترین مسائلی بود که مشارکت کنندگان در مطالعه در مصاحبه ها به شکل های گوناگون به آن اشاره می نمودند.

برای مثال یکی از مصاحبه شوندگان معتقد بود که: "فرایند خسته کننده و زمان بری مثل نوشتن کتاب واقعاً نیاز به افرادی دارد که در حیطه های مختلف آموزشی درگیر نشده باشند. وقتی شما فرصتی برای مطالعه لازم ندارید چگونه می خواهید فرصت برای تألیف کتاب داشته باشید؟"

۳) **آشنایی ناکافی با نگارش کتاب:** یکی از موارد حیاتی دیگر در مورد چالش های تألیف کتاب بومی که توسط مشارکت کنندگان پژوهش به آن اشاره شد مشکلات مربوط به نگارش کتاب بود. بیشتر اساتید حاضر در مطالعه معتقد بودند که به دلیل نبود آموزش های مناسب در این حوزه اساتید ضعف های زیادی دارند و نگارش یک کتاب به تنهایی برای بسیاری از آنها کار دشواری است.

از جمله یکی از مصاحبه شوندگان اعتقاد داشت: "مثلاً در PhD افرادی تربیت می شوند که نمی توانند گزارش علمی تهیه کنند، گزارش علمی اعم از پایان نامه، مقاله، گزارش پیشرفت کار و ... همین افراد معلم می شوند و افرادی را مثل خودشان تربیت می کنند. فرد PhD یا رهبر پژوهش خواهد بود و یا عضو هیأت علمی، پس حتماً باید دست به قلم باشد."

۴) **شکاف انگیزشی:** شکاف انگیزشی اساتید یکی از نکاتی بود که توسط مشارکت کنندگان در پژوهش چندین بار در مصاحبه ها مورد توجه قرار گرفت. تعداد مقاله به عنوان عامل مؤثر در ورود به مقاطع بالاتر و کسب ارتقا و انتشار مقاله ISI به عنوان شرط ورود به دوره ها، از جمله عوامل مؤثر در ایجاد این نیاز و نیاز کاذب القاء شده برای افزایش تعداد مقاله و تألیفات، غفلت از کیفیت آن و بروز پیامدهای نامطلوب عنوان شد.

برای نمونه در یکی از مصاحبه ها یکی از اساتید حاضر در پژوهش خاطرنشان نمود: "کمبودی که الان داریم، غیر از کمبود هیأت علمی و سایر مشکلاتی که داریم، کمبود اعضای هیأت علمی علاقمندی است که در حقیقت عاشق کار علمی، تحقیقاتی و آموزشی خوب باشند."

۵) **عدم تناسب درآمد حاصل از نگارش کتاب با فعالیت های درآمدزای اعضای هیأت علمی:** نگرش نوین امروز در

دنیا، اقتصاد مبتنی بر پژوهش و تولید ثروت از علم و فناوری است و تولیدات فناوری دانشگاه باید با مراکز صنفی و

جامعه ارتباط داشته باشد و اشتغال آفرینی نماید و پژوهش ها تقاضا محور و هدفمند و با انگیزه ایجاد ثروت ملی و درآمد انجام شود. تا علاوه بر تولید دانش درآمدزایی نیز داشته باشد.

در حالی که چاپ کتاب با توجه به هزینه های زیاد چاپ، گرانی کاغذ، آمار پایین تیراژ کتاب، کندی سرعت فروش، نارسایی شبکه پخش و فروش آن و در نتیجه بالا رفتن قیمت کتاب، تعداد کم خوانندگان، عملاً درآمدی برای مؤلف و مترجم نخواهد داشت.

به گفته یکی از اعضای هیأت علمی «با توجه به زمانی که برای نوشتن و چاپ کتاب صرف می شود و در نهایت هیچ درآمدی از آن حاصل نمی شود اگر این وقت در مطب و بیمارستان صرف نمائیم درآمدی غیر قابل مقایسه با چاپ کتاب خواهد داشت»

(و) **عدم وجود شبکه های علمی-ارتباطی مؤثر:** این مقوله انتزاعی خود شامل چهار زیر مقوله به شرح زیر می باشد:

(۱) **تحریم علمی:** یکی از چالش هایی که در مصاحبه مشارکت کنندگان در مطالعه به آن اشاره شد تحریم های علمی ناشی از تحریم های سیاسی چندساله اخیر کشورمان بود. در این حوزه اساتید محترم معتقد بودند این تحریم ها مانعی برای تولید علم در داخل و انتشار آن به شمار می آیند.

برای نمونه یکی از اساتید محترم در این زمینه اظهار داشتند: "با وجود خیلی از محدودیت ها، خیلی از پژوهشگران کشور هنوز در تولید دانش فعالند و با تمام توان و وجود و با کمترین امکانات موجود همچنان پا به پای پژوهشگران دیگر کشورها پیش می روند اما بهر حال تحریم ها در سرعت تولید علم در کشور تأثیر گذاشته اند. در خیلی از شاخه های علمی و به خصوص پژوهش های تجربی این تحریم ها باعث نحیف شدن آزمایشگاه های ما و عدم دسترسی به مواد مورد نظر در پژوهش شده اند. از طرف دیگر جلوگیری از انتشار نتایج پژوهش ها به صورت بین المللی یا انتشار کتب در نقاط دیگر جهان به دلیل تحریم تأثیرات منفی بر روی انگیزه پژوهشگران می گذارد".

(۲) **عدم تشویق فضای علمی:** یکی از مهم ترین چالش هایی که در مصاحبه تقریباً تمامی اساتید به آن اشاره می نمودند عدم ایجاد یک فضای علمی مناسب مبتنی بر گفتگو و تعامل میان اساتید مختلف از گروه های مختلف در دانشگاه ها ست. ایجاد چنین فضایی ست که می تواند زمینه تعامل و همفکری را میان اساتید ایجاد نماید و همچنین انگیزه فعالیت های علمی را افزایش دهد.

یکی دیگر از مشارکت کنندگان در مطالعه از زاویه دیگری به این موضوع نگاه می کند: "...بنابراین ایجاد فضای علمی پویا و امن برای نخبگان بیشتر از هر چیزی به نظر من ضروری است. باید ضمن شناسایی عواملی که باعث مهاجرت نخبگان شده و درجه بندی این مسائل برای بهبود شاخص ها، اولویت طراحی کنیم و با جذب مغزها و نخبگان به عنوان یکی از شاخص های اساسی برای برگشت مغزها به کشور و بسیج نیروهای خارج از کشور و همکاری آنها در توسعه کشور، از همکاری همه افراد بهره مند شویم."

(۳) **اشتراک گذاری نامناسب یافته های علمی:** عدم اشتراک گذاری مناسب نتایج یافته های علمی میان اعضای جوامع مختلف علمی دانشگاهی یکی از مضامینی بود که در این مقوله مورد توجه مشارکت کنندگان در بحث قرار گرفت.

برای نمونه یکی از اساتید محترم در این حوزه این گونه اظهار داشتند: "در گذشته شاید هردانشگاهی یا هرکدام از اساتید رشته های گوناگون در جزایر جدا از هم می توانستند به تولید علم و دانش مشغول باشند و بعد مثلاً نتایج این را در قالب کتاب علمی منتشر کنند اما امروزه بدون ارتباط مناسب با دیگر مراکز علمی این کار امکان پذیر نیست".

یکی دیگر از مشارکت کنندگان در مطالعه در این زمینه معتقد است که: "برای اینکه دیگران از محتوا و موضوع مثلاً کتابی که ما تألیف کرده ایم مطلع شوند روش های ما همچنان سنتی و ناکارآمد است. حتی روش های انتشار هم و اشتراک گذاری هم همچنین. در زمینه تبلیغات محصولات علمی هم که از تمام دنیا عقب تر هستیم."

(۴) **عدم نقد صحیح کتاب:** یکی از مهم ترین موضوعاتی که تمامی اساتید متفق القول در مورد آن به اظهار نظر پرداختند عدم نقد صحیح کتاب های تألیفی توسط دیگر اعضای جوامع علمی داخلی است.

در این حوزه تعدادی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که حوزه تخصصی نقد، یک حوزه علمی جداست و بسیاری از تحصیل‌کردگان دانشگاهی با این حوزه آشنایی چندانی ندارند. همچنین تعدادی از اساتید حاضر در مطالعه اعتقاد داشتند که عدم نقد صحیح تألیفات علاوه بر این که باعث می‌شود افراد در مورد ضعف‌ها و قوت‌های خود آگاهی کافی به دست نیاورند باعث می‌شود که اقبال جامعه علمی به تألیفات کاهش پیدا کند.

از زاویه دیگر، یکی از مشارکت‌کنندگان در این همین مورد این گونه توضیح می‌دهد: "نقد کتاب، توصیف و ارزیابی یک کتاب است. نقد کتاب باید بر روی هدف، محتوا و نحوه نوشتن کتاب (اقتدار اثر) متمرکز باشد. اما چیزی که متأسفانه ما شاهد هستیم حتی در دانشگاه‌ها و حتی جوامع علمی این هست که "نویسنده اثر" به جای "اثر" نقد می‌شود و این دیگر اسمش نقد نیست. ضمن اینکه نقد کتاب یک عمل متفاوت از نقد مقاله است و تخصص ویژه‌ای می‌طلبد."

بحث

در متون و مصاحبه‌های انجام شده شش مقوله اصلی مشخص شدند که عبارت بودند از تعدد و گوناگونی سیاست‌ها، پیامدهای غیروشن، مقاله‌سالاری در پژوهش، ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی، خلا پژوهشگر زبده و عدم وجود شبکه‌های علمی-ارتباطی مؤثر.

تعدد و گوناگونی سیاست‌ها: براساس یافته‌های مطالعه، قائم به فرد بودن مدیریت در ایران سبب گردیده است که با هر بار تغییر مدیران سیاست‌های پژوهشی جدید اتخاذ شوند. این موضوع بالطبع باعث کاهش انگیزه برای فعالیت‌های پژوهشی در راستای تألیف کتاب می‌شود. اصولاً نبود برنامه ریزی بلندمدت و مناسب یکی از مشکلات مهم در حوزه مدیریت کلان پژوهشی کشور است که در این مطالعه به آن اشاره شده است. در همین راستا Hennink و Stephenson نیز مشکلات ناشی از تغییر دولت‌ها و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری‌های پژوهشی را از مشکلات عرصه پژوهش در کشورهای در حال توسعه بیان کرده‌اند (۸).

براساس نتایج مطالعه حسین پور عامل سیاست‌گذاری به عنوان سومین عامل بازدارنده توسط اعضای هیأت علمی معرفی شده است. در این مطالعه دو عامل توزیع نامناسب روند تخصیص بودجه پژوهشی و ابهام در سیاست‌گذاری پژوهش‌های دانشگاهی به عنوان دو فاکتور اصلی در موانع مدیریتی و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته‌اند (۹). در مطالعه حاضر نیز عامل بودجه‌های پژوهشی در مصاحبه‌ها به عنوان یک چالش عمده مورد توجه اکثریت مشارکت‌کنندگان در پژوهش قرار داشت.

پیامدهای غیر روشن: مفهوم پیامدهای غیر روشن به عواملی اشاره دارد که در جهت‌دهی به رفتار و تصمیم‌اساتید هیأت علمی برای تألیف کتب بومی اثرگذار بوده و تغییر در این عوامل می‌تواند به منظور ترغیب بیشتر اساتید به تألیف کتب کمک‌شایانی نماید. به نظر می‌رسد کاربردی‌نشدن کتاب‌های تألیفی و بی‌اعتمادی به مطالعات ایرانی از مهم‌ترین عواملی است که موجب نهادینه‌نشدن تألیف کتب در میان اساتید شده است. در مطالعه حسن دانایی‌فرد نیز یکی از عوامل بازدارنده فعالیت‌های پژوهشی به طور کلی بی‌اعتقادی به تولیدات داخلی شناخته شده است (۱۰).

یافته‌های مطالعه حاضر همچنین نشان می‌دهند که "ارجحیت آموزش بر پژوهش" یکی دیگر از مهم‌ترین موانع بر سرراه تألیفات دانشگاهی است. درواقع اعضای هیأت علمی، حجم کار زیاد و انتظارات مختلف دانشگاه از اعضا، کمبود وقت به دلیل وظایف سنگین آموزشی و بی‌توجهی مسئولان به ضرورت انجام دادن پژوهش از سوی اعضای هیأت علمی را به عنوان بخشی از تنگناهای موجود اعلام داشتند. در مطالعه خان‌بابازاده و همکاران ۳۹ گویه به عنوان مشکلات پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر مبنای نتایج این مطالعه "ارجحیت آموزش بر پژوهش در دانشگاه" و "بی‌توجهی مدیریت دانشگاه به مسائل پژوهشی" دو فاکتور عمده که به عنوان مشکلات اداری و مدیریتی مورد توجه قرار گرفته‌اند (۱۱). همچنین در مطالعه شمس‌داری و همکاران ارجح بودن آموزش بر پژوهش در فضای دانشگاه به عنوان یکی از عوامل بازدارنده در حوزه مشکلات اداری و مدیریتی شناخته شده است (۱۲). همچنین در تحقیق کیانپور و همکاران نیز از دیدگاه مسئولان، ارتباط کم بین محققان، کمبود وقت به علت وظایف آموزشی و عدم وجود اهداف و برنامه مشخص، مهم‌ترین موانع تحقیق به شمار

می روند از دیدگاه اعضای هیأت علمی مورد بررسی نیز همین موارد به عنوان مهم ترین موانع تحقیق ذکر شده اند (۱۳). نتایج مطالعه فرمانبری و عسگری نیز در حوزه علوم پزشکی با نتایج تحقیق حاضر همسو بوده و در آن اعضای هیأت علمی حجم زیاد فعالیت های بهداشتی درمانی و وقت ناکافی برای پژوهش را از مهم ترین موانع حرفه ای در تحقیقات علوم پزشکی بیان داشته اند (۱۴).

در همین زمینه لازم به ذکر است که مشخص نبودن جایگاه بخش خصوصی و وابستگی دانشگاه ها به بودجه صرفاً دولتی منجر به ایجاد محدودیت های مالی شده و انحصاری بودن تحقیقات دولتی، عملاً زمینه رقابت علمی، تحرک و پویایی و نیز تقاضا محور بودن آن را کم رنگ کرده و حاصل کار، گاه انجام تحقیقاتی است که ممکن است هیچ وقت به کار گرفته نشوند. **مقاله سالاری در پژوهش:** یکی از مهم ترین مقولاتی که در مطالعه حاضر به عنوان چالش های تألیف کتب بومی توسط اساتید به آن رسیدیم تاکید بیش از حد جوامع علمی داخل و مدیریت های دانشگاهی به نوشتن و انتشار مقالات است. این تاکید و حتی فشارها برای نوشتن مقالات متعدد و گوناگون به گونه ای است که تمامی اساتید حاضر در مطالعه به تأثیر منفی آن بر تألیف کتاب اشاره داشتند و درواقع باعث ایجاد یک جو "مقاله سالارانه" در محیط های دانشگاهی شده است. مطابق بررسی های علمی و دقیق انجام شده از طرف سازمان های معتبر جهانی پایش علوم، که بارها مورد استناد مسئولین کشور نیز قرار گرفته اند، ایران از این منظر و به لحاظ کمی در منطقه اول است. علاوه بر شاخص تعداد مقالات، معیارهای آماری سنجش کیفیت پژوهش نیز سال ها است که کمی شده اند و در همان بررسی های سازمان های معتبر نیز اندازه گیری و در انتشارات آنها درج می شوند که البته کمتر مورد اشاره مسوولان کشور قرار می گیرند. یکی از این معیارها ضریب استناد و ارجاع به مقالات است که متأسفانه برای مقالاتی که از ایران به چاپ رسیده اند بسیار پایین است (۱۵).

همچنین در آخرین رتبه بندی کشورها از نظر تعداد مقالات علمی نیز این موضوع به وضوح دیده می شود. در این رتبه بندی ایران از نظر کمیت مقالات منتشر شده رتبه ی ۱۵ اما از نظر کیفیت مقالات رتبه ی ۳۸ را در اختیار دارد. نتایجی که در مطالعه تحلیل شکاف پژوهش ها در آموزش عالی که توسط باقری مجد و همکاران انجام گرفته است نیز موید این ادعاست. در نتایج این مطالعه از جمله آسیب های موجود در پژوهش های حوزه آموزش عالی کمی نگری به عرصه تحقیق و تشویق به تعدد پژوهش هاست (۱۴).

ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی: گونه دیگری از چالش های موجود بر سرراه تألیف کتب بومی عبارت اند از عدم تشویق و حمایت مناسب از مولفین و اساتیدی که در حوزه نشر کتب گام بر می دارند. در این حوزه یکی از مهم ترین مشکلات ارائه شده در مصاحبه ها بوروکراسی های فراوان اداری و همچنین مشکلات مالی موجود در راه انتشار کتب مختلف می باشد.

این موانع و مشکلات در مورد چاپ کتاب، فرصت مطالعاتی، شرکت در همایش ها و حتی چاپ مقاله ها نیز به چشم می خورد. باقری مجد و همکاران نیز در مطالعه خود به عامل بوروکراسی اداری به عنوان یکی از عوامل بازدارنده تحقیق و پژوهش در ایران اشاره کرده اند (۱۴).

در همین راستا مطالعات متعددی نشان داده اند که کمبود امکانات یکی از موانع موجود در راه انجام هر نوع فعالیت پژوهشی است (۱۶). در مطالعه Sumathipala و همکاران به مشکلات کمبود تجهیزات و امکانات پژوهشی، کمی بودجه اختصاص یافته به تجهیز و غنی سازی کتابخانه ها و به روز نبودن آن، و کمبود مواد و امکانات پژوهشی اشاره شده است (۱۷).

خلا پژوهشگر زبده: یکی دیگر از مقولات مورد اشاره در مصاحبه های مشارکت کنندگان حاضر در پژوهش عبارت بود از کمبود اساتیدی که توانایی نگارش کتاب را به تنهایی داشته باشند و خود نیز به عنوان یک پژوهشگر فعال عمل نمایند. در این زمینه یکی از مهم ترین نکات مورد اشاره عدم آشنایی کافی با قواعد نگارش کتاب و نیز انگیزه ی پایین اساتید برای انجام چنین فعالیت هایی بود. علاوه بر این، داشتن نیروهای کارآمد پژوهشی که قادر باشند از تجهیزات و تکنولوژی موجود بهره برداری بهینه کنند، گاه مهم تر از تأمین منابع است.

در تحقیق Barnett و همکاران نیز انگیزه های شخصی ارتباط مستقیمی با میزان فعالیت های پژوهشی اعضای هیأت علمی داشت. به گونه ای که در این پژوهش ها بی انگیزه بودن اعضای هیأت علمی از موانع مهم در انجام و کاربست فعالیت های پژوهشی بر شمرده شده اند (۱۸). در تحقیق Sumathipala یکی از دلایل ناچیز بودن سهم مقالات کشورهای غیر انگلیسی زبان از کل مقالات چاپ شده در مجله های معتبر بین المللی، عدم تسلط به زبان های خارجی به عنوان یکی از توانمندی های پژوهشی در ارائه فعالیت های تحقیقاتی بیان شده است (۱۷).

عدم وجود شبکه های علمی-ارتباطی مؤثر: عدم وجود فضای علمی مؤثر و شبکه های علمی وابسته به منظور اشتراک گذاری یافته های علمی، انجام نقد سازنده، فعالیت گروهی بهم یکی دیگر از مهم ترین چالش های مورد اشاره در مصاحبه های مشارکت کنندگان در پژوهش است.

وجود روحیه فردگرایی در اعضای هیأت علمی و عدم تمایل به مشارکت در تحقیقات گروهی تا اندازه زیادی متأثر از فراهم نبودن جو مناسب در محیط های پژوهشی است. متخصصان در جوامع کمتر توسعه یافته اغلب در صدد یافتن کاری هستند که کمتر در حیطه دخالت دیگران قرار گرفته و حتی الامکان مستقل باشد. همین مسئله ارتباطات بین افراد را در حیطه علمی کاهش می دهد. این در حالی است که تحقیقات نشان داده در سازمان هایی که مشارکت و کارگروهی بیشتر است تعداد مقالات و انتشارات پژوهشی اعضای هیأت علمی به نسبت بالاتر از سازمان هایی است که به فعالیت های فردی می پردازند (۱۹).

نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از مطالعه حاکی از این هستند که علی رغم رشد و گسترش زمینه پژوهش در ایران همچنان چالش ها و مشکلات زیادی بر سر راه تألیف کتب وجود دارند. که از آن جمله می توان به تعدد و گوناگونی سیاست ها، پیامدهای غیروشن تألیف کتب، مقاله سالاری در پژوهش، ضعف راهکارهای تشویقی و حمایتی، خلا پژوهشگر زبده و عدم وجود شبکه های علمی-ارتباطی مؤثر اشاره نمود. راهکارهای پیشنهادی در سه حوزه انگیزشی، قوانین و مقررات و مالی در جدول شماره ۲ آمده است.

تاکید مطالعه حاضر بر آن است که افزایش تعاملات میان مدیران با اساتید رشته های گوناگون و همچنین افزایش همکاری میان اساتید مختلف به همراه افزایش حمایت سازمانی از فرهنگ تألیف کتاب می تواند به شکل گیری یک جبهه منسجم پژوهشی منجر گردیده و ثمره تشکیل چنین جبهه ای در آینده پژوهش ها و تألیفات انجام شده قابل رویت خواهد بود.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از معاونت تحقیقات و فن آوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که با تصویب طرح و حمایت مالی آن با کد ۱۱۵۵۴ امکان انجام آن را فراهم آورد تقدیر و تشکر می نمایم. این طرح با کد اخلاق IR.SBMU.RETECH.REC.1396.187 در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی به تصویب رسیده است.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

جدول شماره ۲- راهکارهای پیشنهادی افراد مورد مصاحبه برای بهبود وضعیت چاپ کتاب

انگیزشی	سفارش کتاب مرجع به اساتید
	معرفی کتاب در جشنواره های ملی و بین المللی
	معرفی نویسندگان برتر براساس تعداد بالای عنوان های کتاب و فروش
	ایجاد تمهیدات لازم جهت نشر ebook
	برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب با حضور اساتید و دانشجویان
	ترغیب و تشویق مطالعه در بین دانشجویان
	ایجاد رقابت و تحرک روزافزون بین گروه های آموزشی در جهت ارتقاء شاخص های علمی و چاپ کتاب
	تکمیل منابع علمی کتابخانه های دانشگاه (مجلات تخصصی فارسی زبان و انگلیسی) در حوزه های مختلف و استانداردسازی کتابخانه ها
	براساس استانداردهای ملی و بین المللی
	افزایش نسبت چاپ کتاب تألیفی به ترجمه ای
	ارائه آموزش های لازم و برگزاری کارگاه های نگارش کتاب برای اعضای هیأت علمی
	ارتقاء سطح مهارتی اساتید
	ایجاد فضای مناسب جهت عرضه و فروش کتاب برای جذب مخاطب
	مطالعه و مشاوره و همفکری با خبرگان حوزه کتاب به منظور برگزیدن الگوی مناسب
	ارتقاء سطح مکانیزاسیون و خدمات الکترونیکی واحدهای دانشگاهی
	ایجاد وب سایت های عمومی و تخصصی کتاب جهت معرفی و فروش کتاب
قوانین و مقررات	فراهم نمودن زمینه های رشد کیفی و کمی انتشارات دانشگاه
	تعیین اولویت های نشر در زمینه های مختلف
	دریافت اولویت های تحقیقاتی دانشگاه و سازمان ها و جامعه و اطلاع رسانی به اعضای هیأت علمی جهت چاپ کتاب
	از بین بردن فاصله زمانی مراحل تصویب کتاب تا مرحله چاپ آن
	بروز رسانی بانک آماری و اطلاعاتی
	بازنگری در آیین نامه تشویق کتاب و تعمیم و جهت دار کردن و توسعه آن
	عقد تفاهم نامه میان انتشارات دانشگاه با ناشران معنبر جهانی جهت چاپ مشترک کتاب و اختصاص امتیاز بیشتر به کتاب های مذکور
	ایجاد تعادل بین مشارکت علمی و مشارکت مالی
	الزام دانشکده ها به حضور در جشنواره هایی کتاب برتر ملی و بین المللی و در نظر گرفتن امتیازات لازم جهت ارتقاء
	رفع مقررات دستوپاگیر اداری که مانع سرعت بخشیدن به تولیدات علمی اعضای هیأت علمی می گردد.
	اعزام اساتید برای فرصت های مطالعاتی جهت تحقیق و پژوهش در موارد خاص و چاپ کتاب
	اعطای پایه تشویقی به اعضای هیأت علمی در صورت چاپ کتاب برتر سال و یا جشنواره های داخلی و خارجی
مالی	بازنگری در آیین نامه تشویق و بالا بردن میزان مساعدت مالی
	تعیین اولویت های انتشارات و ارائه برنامه مناسب جهت جذب بودجه بیشتر از دانشگاه
	ایجاد تعادل بین مشارکت علمی و مشارکت مالی
	جذب حداکثر بودجه برون سازمانی در جهت تقویت منابع مالی جهت چاپ کتاب
	ایجاد فضای مناسب جهت عرضه و فروش کتاب
	تلاش و برنامه ریزی جهت کسب درآمد از چاپ کتاب
	توزیع متوازن و منطقی بودجه چاپ کتاب برای همه گروه های علمی و اساتید متناسب با قابلیت ها و شناسایی حوزه های مؤثر
	صرفه جویی در مصرف منابع از طریق درست مصرف کردن بودجه چاپ کتاب
	برگزاری همایش های علمی تخصصی با رویکرد بین المللی و جذب بودجه از خارج دانشگاه

REFERENCES

1. Khadjooi K, Rostami K, Ishaq S. How to use Gagne's model of instructional design in teaching psychomotor skills. Gastroenterology and Hepatology from bed to bench. 2011;4(3):116.
2. Sohrabi MR, Rahmati-Roodsari M, Rahmdar SR. Effect of university policies on research productions: a scientometric study. Med J Islam Repub Iran. 2014;28:63.
3. HajiHashemi Z, Malih N, Vafae R, Sohrabi MR. Scientific production of Shahid Beheshti University of Medical Sciences in Scopus between 2011-2014. SDH. 2016;2(4):155-61.
4. updated 2019; cited 2019 May, 15]. Available from: <http://books.research.ac.ir>.

5. Guba E, Lincoln YS. Competing paradigms in qualitative research. Handbook of qualitative research 1994.
6. Shenton AK. Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. Education for information. 2004;22(2):63-75.
7. Harper M, Cole P. Member checking: can benefits be gained similar to group therapy? . The Qualitative Report. 2012;17(2):510-7.
8. Hennink M, Stephenson R. Using research to inform health policy: barriers and strategies in developing countries. Journal of health communication. 2005;10(2):163-80.
9. Hosseinpour M. A Study of Debilitating Factors of Research from the Viewpoint of Faculty Members in Human Sciences. journal of social psychology. 2012;6(19):79-95.
10. Mirzaie N, Chakeli A. Evaluation of the Research Productivity of Faculty Members of Knowledge and Information Science Departments of State Universities of Tehran by Using Multiple indicators. LISRJ 2017 8(1):5-7.
11. Naghizadeh-Baghi A, Khanbabazadeh-Ghadim M, Samari E. Survey of Barriers and Research Problems from the Viewpoint of Faculty Members of Ardabil University of Medical Sciences. J Ardabil Univ Med Sci. 2015;15(3):255-64.
12. Darabi S, Koohpaie A, Yosefi M, Komali T, Ahmari-Tehran M, Rahmani M. The Study of the Magnitude of the Research Problems before and after the Administrative and Management Interventions from the Faculty Members and Researchers' Viewpoint at Qom University of Medical Sciences , Qom, Iran, during 2004-2008. Qom Univ Med Sci J. 2009;3(3):37-44
13. hajisalehi E, Soltani R, Sharifirad G. Research barriers from the viewpoint of faculty members Isfahan University of Medical Sciences. 2014. 2014:8.
14. bagheri-majd R, ghalavandi H, miraghaei A, sedghi bokani N, bagheri majd A. Analysis of gap of Humanities studies in higher education. Research in School and Virtual Learning. 2014;1(3): 79-90.
15. Malih N, Sohrabi M-R, Vafae R, HajiHashemi Z. Scientific production of Shahid Beheshti University of Medical Sciences in Web of Science between 2011-2014. Social Determinants of Health. 2016;2(2):70-5.
16. Haynes B, Haines A. Barriers and bridges to evidence based clinical practice. BMJ. 1998;317(7153):273.
17. Sumathipala A, Siribaddana S, Patel V. Under-representation of developing countries in the research literature: ethical issues arising from a survey of five leading medical journals. BMC Medical Ethics. 2004;5(1):5.
18. Barnett RC, Carr P, Boisnier AD, Ash A, Friedman RH, Moskowitz MA, et al. Relationships of gender and career motivation to medical faculty members' production of academic publications. Academic Medicine. 1998;73(2):180-6.
19. Crewe I. Reputation, research and reality: The publication records of UK departments of politics, 1978–1984. Scientometrics. 1988;14(3-4):235-50.